

حقوق و اخلاق

نوشته دکتر ناصر کاتوزیان

در صفحه ۴

سپهر

دوشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۵۸ هجری شمسی

ما و پاسداران انقلاب

اسلام کاظمیه

در صفحه ۸

کلامی با رهبران شورشی کرد

علی اصغر حاج سیدجوادی

این راه به ترکستان است، نه به کردستان

«جاذبه و فضیلت و حرمت بی پایان رهبری انقلاب بزرگترین دستمایه ایست که درغیبت تجربه سازمانهای سیاسی میتواند وجود و دوام اتحاد سراسری مردم ایران را تضمین کند»

ما همواره از حق تعیین سرنوشت مردم سرزمین های وطن خود دفاع کرده ایم به دلایل روشن اول آنکه شکستن اصل تمرکز اداری بصورت

شعور اجتماعی مردم می شود. دوم اینکه استقرار اصل شورا بمعنای واقعی خطر تمرکز قدرت را بدست گروههای قدرت طلب مسدود می کند و نهادهای شورائی هریک بصورت مراکزی برای حراست ازادپها و دست آوردهای انقلابی درمیآید. سوم اینکه اصل کاغذبازی و نظام پوسیده سلسله مراتب اداری که

جمعیت بین المللی حقوقدانان دموکرات در رابطه با «مساله فلسطین» و موافقتنامه های «کمپ دیوید» در روزهای ۲۹ و ۳۰ سپتامبر (۷ و ۸ مهر) سمپوزیومی در پاریس تشکیل داد. از دکتر کریم لاهیجی، نیز برای شرکت در این سمپوزیوم دعوت شده بود و ایشان گزارشی از آنچه که طی دروز سمپوزیوم گذشت برای جنبش تهیه کرده است که در اینجا ملاحظه می کنید

در متن و حاشیه سمپوزیوم فلسطین

دکتر عبدالکریم لاهیجی

کارشکنی ها تهدیدها و دشنامهای عوامل صهیونیست بهمه گرفته است جزو هیات اسرائیلی بود و ریاست هیات فلسطینی را جمال سورانی رئیس اتحادیه حقوقدانان فلسطین و

عضو شورای ملی فلسطین بهمه داشت. از شش حقوقدان فلسطینی سه تن عضو شورای ملی فلسطین بودند. لئوکس هیندز حقوقدان سیاه پوست و بقیه در صفحه ۷

این حقوقدانها!

آن «یک کلمه» که مردی آزاده را به زندان افکند و کشت چه بود؟

در صفحه ۵ - م - فروزانفر

ایران و منطقه

امپریالیسم از چه راهی پای در منطقه می گذارد؟

در این سمپوزیوم متجاوز از ۷۰ حقوقدان از ۳۱ کشور شرکت داشتند، و آنچه که شگفت انگیز و بلکه غرورآمیز بود تنوع رنگ و نژاد و مذهب و مسلک و ملیت بود. در کنار حقوقدانان امریکا و آلمان غربی و ژاپن و ایتالیا و فرانسه حقوقدانان شوروی و ویتنام و آلمان شرقی نشسته بودند. خیل عظیم حقوقدانان افریقائی و عرب از کشورهای نظیر الجزایر، عراق، ماداگاسکار، مالی، کویت، مراکش، تونس، سنگال، سوریه، مصر و... نظرها را جلب میکرد. و از همه جالب تر حضور چهار حقوقدان اسرائیلی در کنار شش حقوقدان فلسطینی بود. خانم فلسطیا لانگر وکیل آزاده و مبارز اسرائیلی که سالهاست دفاع از خلق مستعبد فلسطین و زندانیان سیاسی فلسطینی را علیرغم

برداشت های ساده لوحانه برخی از افراد و محافل از انقلاب ایران

اکنون در سیاست خارجی ما مخصوصا در منطقه بطور منفی به بار می نشیند. این افراد و محافل خیال کردند که انقلاب ایران دارای چنان فشار و قدرت انفجاری است که میتوان آنرا بصورت شعارهائی توخالی و مخصوصا عاری از هر گونه واقعگرایی و روشن بینی صادر کرد. یک انقلاب اگر توانست پایه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود را در نهادهائی منطقی جاسازی کند طبعاً میتواند پس از مدتی بصورت الگویی برای دیگران درآید. انقلاب ما گرچه دارای دوستانی است تحسین کننده اما دشمنانش در دشمنی بر مراتب مؤثرتر از دوستانش در دوستی هستند.

انقلابی که باید خلاء یک گودال ناشی از درهم ریختن اساس نظام فاسد استبدادی پهلوی را با سرعت و با تعقل و منطق چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی پر کند. انقلابی که باید با بحرانهای مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و مالی ناشی از این خلاء آنچنان روبه رو شود که این بحرانها نتوانند بدست دشمنان داخلی و خارجی وسیله نابودی انقلاب شوند انقلابی که باید بهمین علت هرچه بیشتر و هرچه سریعتر بر تعداد دوستان و هواداران و حامیان خود مخصوصا در عرصه سیاست خارجی خود بیفزاید. بقیه در صفحه ۲

دکتر محمدقلی محمدی

چگونه می اندیشیم؟

جهان بینی و اندیشه در مراحل پیشرفته و در تاثیر متقابل تصحیح کننده خود بمرحله ای از رشد میرسد که تشکیل یک واحد منطقی را میدهد. در چهار چوب جهان بینی و با درک ناشی از آن معیاری بچونیم که بما شناخت صحیحی از انقلاب بدهد. در صفحه موزائیک وقایع روز به ناهنجاریهای ناشی از نامتجانس بودن سنگریزه نشسته در موضعی خیره نشویم و بر روی آن درنگی بیش از حد نداشته باشیم. شکل کلی و هارمونی عمومی صفحه مبین اصالت کاری است که انجام گرفته است.

ایم، ساخته میشود و در یک روند دائمی از اندیشه جدا و دوباره به آن میپیوندد. با دریافت اطلاعات و موثر قرار دادن آنها برهم و اگر ساده تر بیان داریم: در هم آمیختن و شکل دادن مجدد به آنها قادر میشویم که برای خود «مدل زمان و مکان» را بسازیم. بدینمعنی که دیگر مسئله ای را در زمان، جدا از مکان، و یا در مکان اما خارج از تاثیر زمانی بران، مورد بررسی و تحلیل قرار نخواهیم داد. و چنین است که با یاری اطلاعات دریافت شده، انعکاس آن بقیه در صفحه ۶

اندیشیدن، آنهم درست اندیشیدن کاری نه چندان سهل است. اندیشیدن صحیح بر مبنای علمی و منطقی استوار است. با افزایش قدرت تعمق و تفکر در انسان که هر روز بیشتر از روز قبل پدرک و شناخت عمق مسائل تمایل نشان میدهد، بسویی میرویم که جهان بینی و تفکر و اندیشه یک واحد منطقی و دیالکتیکی را تشکیل میدهد. قبل از تفکر و اندیشه، جهان بینی با کمک دریافتها و اطلاعات کسب شده از جهانی که در آن معاطه شده



چل روز در شهادت
چل روز در عذاب
چل روز در شکنجه
چل روز در عتاب
هرگز کسی بیاد ندارد
خلقی چنین به بدرقه

برخیزد...
در سوک یک مجاهد
در سوک یک امام.

بعد از تو ای شهید!
این نسل دلگرفته‌ی غمگین
در کوچه‌های سرد پریشانی

ویرانی
اطراق کرد
و دل به معجزه بست
و تن رها ساخت

و خواند سوره‌ی «والعصر»

بعد از تو ای شهید!
زمین بی ستاره ماند
و آفتاب خسته‌ی شهرویر
این نسل را بیاد هاویه انداخت.

بعد از تو ای شهید!
ما را به منجیق تهاجم بستند
ما را به منجیق تهمت،
و آتش مسلسل تکفیر و ناسزا را -
بر روی ما گشودند...

اما...
دیوارهای شهر گواهند.

با یاد معلم کبیر قرآن
- شهید طالقانی -

چهلیم

طه حجازی «ح. آرزو»

در خیابان،
بازار
هر روز صبح و شام
فریاد می‌کنند...

ای مرد!
ای ابوذر!
بی شک تو مثل یک پیل بودی
تو مثل یک پلی به حقیقت
تو مثل یک پلی به خدا و خلق
تو مثل رابطه بودی
این را تمام مردم ایرانشهر
این را تمام دنیا می‌دانند
گذشته‌های مسجد ایمان
در قامت بلند تو

تفسیر می‌شوند
و شهرهای غربت و تفریق
با یک نگاه پاک تو

تحقیر می‌شوند
و از پیام سبز تو

شهر بزرگ وحدت
شهر بزرگ دوست داشتن
شهر بزرگ انسان

بنیاد می‌شود.

ای مرد!
ای ابوذر تنها!
اسطوره حقیقت و ایثار!
آسوده باش و راحت
وقتی که شاهدی و می‌بینی
در این شبان حادثه

راهت
ادامه دارد.

نسل صدا و فریاد
نسل نماز جمعه
نسل تظاهرات.
ما نسل جنبشیم
«جنبش برای آزادی»
جنبش برای نان
در سایه‌ی حقیقت و ایمان.
ما زیر بار زور
ما زیر بال زر
ما زیر چتر تزویر

از هر قماش که باشد -

هرگز نمی‌رویم
گیرم عصا و نعلین
عمامه یا قبا

یا چکمه و چماق
یا تاج یا شنل
ما از تبار سرخ شهیدانیم
ما از تبار بابک،

آر.ش،

ما از نژاد سلیمانیم
با ارتجاع بگویند:
ما را اگر بیاد ندارد
در ابی سحر
در سرخی شفق

این خون نسل ماست
که بر چوبه‌های دار

و بر سامان آبی ایرانشهر
در کوچه،

بعد از تو ای شهید!
خون مبارزان مجاهد

و شب -
با هیاتی جدیدتر از پیش
این نسل را محاصره کرد
و چادر سیاه بلندش را،
بر سینه‌ی گویر
بر دامن قلات
تا قامت کشیده‌ی البرز

بالا برد

و خلق باز
در هفتخوان رابطه‌ها ماند.

بگذار ای شهید!
در این وداع سرخ

در این چله

گیرم به زیر سلسله‌ی زنجیر
گیرم به روی دار
حلاج وار بخوانیم:
راحت ادامه دارد
حتی اگر از آبی گردون
توپ و فشنگ بیارد...

ما نسل سرکشی هستیم
نسل پیام و خون

اخطار رهبر انقلاب

هفته‌ی گذشته در دیدار گروهی دادستانها و حکام شرع از رهبر انقلاب سخنانی که گفته شد اهمیت خاصی داشت. مدت‌هاست که کارگزاران حکومت انقلاب تمام ضعفها کوتاهی‌ها و ایجاد عدم رضایت‌ها را به گردن می‌گردانند تا خود را از افات مصون نگهدارند. این درست است که ضد انقلاب وجود دارد، تحریک سیاستهای خارجی و استعماری وجود دارد، میل به سرکشی و رو کردن به سوی مظاهر نظام طاغوتی وجود دارد، ولی هیچ بذری در زمین نامناسب نخواهد رونید و هیچ نهالی در هوای نامناسب رشد نخواهد کرد.

ضد انقلاب وقتی فرصت می‌یابد که اذهان را منحرف کند و به انقلاب لطمه بزند که بهانه‌ای و نمونه‌ای از ندانم کاری‌ها و سهوها و خطاها یا غرض‌ورزیا را در طرز عمل کارگزاران انقلابی مشاهده کند. در برابر انحرافها دوستان دلسرد می‌شوند، دشمنان ستمپاشی می‌کنند و دست‌اندازی که در برابر سرنوشت انقلاب احساس مسئولیت می‌کند به انتقاد می‌پردازند. انتقادها طبیعتاً ابتدا ملایم است. اگر شنیده نشد ناله‌ها رساتر می‌شود و فریاد می‌گردد. زبان و قلم انتقاد کننده هر روز تندتر و تیزتر می‌شود تا حرف به جانی برسد و سوالی پیش آورد و اثری کند. ما پیوسته با توجه به علاقه‌ای که به سرنوشت مردم و انقلاب داریم چنین بوده است. اما در این موضوع است که مغرضین و جاهلان به اساس قوانین انقلابی چماق تکفیر بر می‌دارند و تهدید می‌کنند. دوستان نادان زبان به طعن و کنایه می‌کشایند و دشمنان دانا تحریک می‌کنند چون انتقاد موجه و راهمنایها را در راه پیشرفت انقلاب و اصلاح کارها به زبان خود می‌بینند.

ما بارها در باره‌ی دادگاههای شرع و محاکم انقلابی وقتی که آرای آنان در باره‌ی جرائم مشابه مشتت بوده و نتیجه‌اش ظلم به جمعی و ایجاد ناراضاتی در جمعی دیگر بوده است هشدار داده‌ایم و انتقاد کرده‌ایم و حتی به بعضی محاکم و آرای آنان سخت تاخذه‌ایم که جمعی از حکام شرع در احکام خود اجتهاد در مقابل نص می‌کنند و این به مذاق بسیاری خوش نیامده است.

توصیه‌های اخطارآمیز رهبر انقلاب به حکام شرع در هفته‌ی گذشته بیشتر در مورد احکامی بود که خصوصاً تکلیف آنها را معلوم کرده است ولی متأسفانه در غالب موارد اجرا نمی‌شد و موجی از ناراضاتی به راه می‌انداخت و زمینه‌ای برای تبلیغ ضد انقلاب فراهم می‌کرد.

جای خوشوقتی است که هنوز وقتی کشتی تعادل خود را از دست می‌دهد و دچار طوفان می‌شود ناخدا شرعاً را هرشندان می‌کشد و به سرشینیان و کشتیبانان هشدار می‌دهد.

در باره‌ی نحوه‌ی صدور احکام از محاکم شرع که باید یکسوخاقت شود و حدودی رعایت شود توصیه‌های رهبر انقلاب هشدار می‌دهد که تمام کارگزاران علاقمند به سرنوشت انقلاب و سرنوشت خویش باید آن را جدی بگیرند تا از طرفی رفع نگرانی از گروه قابل توجهی از مردم شود و از طرف دیگر بهانه به دست ضد انقلابیون و تبلیغاتی‌های استعماری نیفتد.

ایران و منطقه!

بقیه از صفحه اول

المان و ژاپن را وادار می‌کند که ماهی دلخواه خود را بر علیه انقلاب ما بگیرند و ایران را با کمربندی از دشمنان بی جهت و بی دلیل بصورت موجودی طاعون زده منزوی نمایند. اگر دن کیشوتها فراموش نکرده باشند پس از انقلاب کوبا چه گوارا که در مسائل اجتماعی و سیاسی انقلاب شعور و ادراکش اندکی بیشتر از ماها بود خواست همان الگوی به ثمر رسیده کوبا را در بولیوی پیاده کند ولی غافل از آنکه آمریکا با ضربه خوردن از انقلاب کوبا بهانه تازه‌تری برای محکم کردن بوخ استعماری در آمریکای لاتین بدست آورده بود و نتیجه‌اش همان بود که با ایجاد نیروهای ضد شوروش و با تأسیس مدارس و پایگاههای تعلیماتی ضد شوروشی در پاناما و در خود آمریکا و با تقویت نیروهای نظامی و امنیتی دیکتاتورهای آمریکای لاتین توانست از نفوذ انقلابی چه گوارا در بولیوی جلوگیری کند.

عبدالناصر پس از کودتای سال ۱۹۵۲ سیاست انقلابی خود را در سه جبهه متمرکز کرد به اعتبار اینکه مصر کشوری است آفریقایی و عربی و اسلامی در این سه شاخه به سیاست نفوذی و تهاجمی دست زد و با آن جاذبه عظیم و سرشار خود در سه شاخه شکست خورد زیرا این مسئله را از یاد برده بود که نه تنها در برابر سیاست ابرقدرتها این امکان برای او وجود ندارد بلکه با یک کودتای نظامی و بدون واژگون کردن نهادهای کهنه اجتماعی و اقتصادی در داخل نمیتوان چیزی بنام انقلاب پا

کشور ما اکنون خود گرفتار مسائل حاد و مختلفی است که مسئولیت اصلی رهبران و دولت حل این مسائل یا ایجاد زمینه‌های سالم و مترقی اجتماعی و اقتصادی برای آن میان برداشتن مشکلات است. عقل سالم و طبیعی می‌گوید وقتی کسی دست بگیرد میان مسائل دشوار است نه تنها دشمنان تازه برای خود ایجاد نمی‌کند و نه تنها دوستان قدیم را از خود نمی‌رنجاند بلکه سعی می‌کند حتی الامکان از میزان خصومت دشمنان بکاهد و یا لافل آنها را نسبت به وضع خود بیطرف کند که اگر دوستی نمی‌کنند دست بدشمنی علیه او زنند و یا به دشمنان او نزدیک نشوند.

انقلاب ما نه تنها دشمنان همیشگی و سنتی خود را دارد بلکه دشمنان بالقوه و بالفعل تازه‌ای را نیز بوجود آورده است، آنها چه افراد چه کشورها و چه گروهها همانتهایی هستند که یا در اثر انقلاب ایران منافع سرشار خود را از دست داده‌اند و یا بخاطر انقلاب ایران موضوع سیاسی خود را در خطر می‌بینند و از خطر نفوذی آن در هراسند.

در این صورت کسانی که تازه مزه قدرت و سیاستمداری و سیاست بازی را چشیده‌اند باید بدانند که انقلاب ما خود قی نفسه دشمن دارد و نیازی نیست که آنها با اظهار نظر خود بر حساسیت آنها بیفزایند و یا دشمنان تازه‌تری برای انقلاب ما بوجود آورند.

فتحعلی شاه نیز روزی دست به شمشیر برد تا پدر اروس (روسیه) کافر را درآورد که فریاد الامان اطرافیان بلند شد که قربان غلاف فرمائید که همین اندازه کافی است. وظیفه ما در درجه اول سروسامان دادن بوضع خودمان است ما باندازه کافی مشکلات و مسائل داریم که سالهای زیاد اگر بتوانیم باید کار کنیم و با استفاده از همه امکاناتی که میتوان از طریق دوستی و سیاست خارجی بدست آورد مردم خود را از فقر و بیکاری نجات دهیم و زمینه‌های استعمار و استثمار و استبداد را نابود کنیم.

در اینصورت ما بدون ارائه یک الگوی زنده و حاضر از آثار اجتماعی و اقتصادی انقلاب هرگز با لفظ توپ و تشر نمیتوانیم مردم خود را قانع کنیم و نه از خود الگویی برای دیگران بسازیم.

حلتی که میلیاردها دلار پول نفت را که به انواع حیل به جیب امپریالیست‌ها و ریزه خواران آنها در آفریقا و آسیا ریخته میشود می‌خواهد برای خود خرج کند نباید خود را به صورت غول مهاجم و بی مسئولیت و بی منطقی برای همسایگان خود درآورد هنوز جامعه ما در بستر انقلاب از نظر امکانات مبارزه با بحرانها و مشکلات و تأسیس نهادهای مترقی اجتماعی و اقتصادی به سود توده‌های محروم مستقر نشده است بنابراین بهتر است دیگران را تا جاتی که با ما به دشمنی برنخاسته‌اند به حال خود بگذاریم و در فکر حل مشکلات خود باشیم.

چگونه می اندیشیم؟

بقیه از صفحه اول

در ذهنمان و قرار دادن آن در برخورد با اطلاعات و نظرات دیگران تصویری روشن از دنیای محیطی مان خواهیم داشت. تجربیات حاصله ناشی از دریافت های جدیدمان تصویر قبلی را تصحیح و در جریان زندگی ما را عمیق تر و دیدمان را وسیع تر میسازد. اندیشه و تفکر در پیوند با جهان بینی، تظاهر یافته در یک نمود واحد، کافی نیست که تنها محتوای صحیحی را صاحب باشد، بلکه چنین محتوایی باید که در قالبی موزون جای داده شود و برای تغییر شرایط زمانی از نمود مرکب «زمان و مکان»، در فرصتی مناسب عرضه گردد. از این دو شرط آخری عاملی واحد ساخته میشود و هر دو در پیوندی با هم براندیشه موثر میگردد.

صاحب چنین اندیشه ای، که رسیدن به سطح شعور وی هدف همه روشنفکران است، میدانند که در هر مرحله از تغییرات در جامعه چه بگوید و چگونه بگوید. چه چیز را در چه زمان مطالبه کند و بر دریافت چه چیز اصرار ورزد.

نتیجه آنکه همه آنها که در عقیده شان محقق هستند و نظرانشان حاوی محتوایی صحیح است، الزاما در شکل بیان آن و در زمان ابراز آن، حق در کنارشان قرار نگرفته است.

با این تعریف از جهان بینی و اندیشه، مسائل روزمان بر دوازیم اینروزها همه جا سخن از آزادی است، فردی و اجتماعی آن و دفاع از حدود و ثغور، که میترسیم در آینده مورد تجاوز قرار گیرد.

پیکاری بی امان بین دو گروه از یک قشر، یعنی قشر روشنفکر در گرفته است و در آن زبان و قلم کار نیزه و شمشیر را بعهده دارد. میگذرد و میشکافت.

در اوج این پیکار اگر گهگاه جوانانمان در این گوشه وان گوشه کشور قصصی شنوند، آهسته آهسته این گمان بر ما چیره میشود که گویا در حال عادی و در شرایطی متعارف زندگی میکنیم. و نشسته ایم تا در یک و یکف آزادی هایمان وجود مجاز آن بحث و گفتگو کنیم. همچنان که در اوج قدرت نظامی اسارتها، شهرنشینان آتن رنج بردن کردند و خواندیم که بر آن ها چه رفت.

گویا دیگر دردهای واقعی ملتی که بیش از یکصد و پنجاه سال در زیر یوغ استعمار دست و پا زده است و حالا میکوشد که زنجیر از پای بگسلد، از یادمان رفته باشد. آنچه که حقیقت باید انگیزه تمامی مبارزاتمان باشد. آنچه که باید در این پیکاری بی امان، هدف اصلی کوشش های مداوممان را تشکیل دهد. همه گفتار و همه کردارمان، هستی مان، بقاء و پرگمان باید بخاطر آنها باشد. بویژه آنها که با تفکر و اندیشه دریافته اند که در قبال حفظ قوم و سرزمین خود رسالتی دارند.

این دو گروه یک قشر، برخی در جامعه سنتی و باقی در لباس اروپایی بدون دلیلی مبین و بدون علتی غائی در گرامر پیکاری سخت علیه یکدیگر ایستاده اند. پیکاری که اگر گستاخی نباشد لااقل علش در مرحله نخست تصادم منافع دو گروه است و با مصالح ملتی رنج دیده ارتباطی ندارد. ملتی که این روزها در تنگنای مرگ و زندگی ایستاده است.

پس گویا این برخورد و انتقادها از هر دو طرف تنها خدمت کردن به بردهای نیست که متأسفانه حیران و سرگردان ایستاده است و علت بسیاری از این درگیریها را درک نمیکند. زیرا دردهای خروش را خوب میشناسند: قشر، نداشتن بهداشت

خود آن و سبک بیان و قوالب آن را با دقت انتخاب کنیم. آن را چنان عرضه داریم که سازنده باشد و مفید واقع گردد. رفع عیب کند بدون آنکه افغان را نسبت به اصلی مشوب سازد. سخت کوش باشیم تا در این مشاطه گری چنان تند نرمی که رخساره بزرگ شده زخمی بیند.

یادمان باشد که در جستجوی ناهنجاریها، معایب و کجروی ها که بسیار موجود است و همه چون حلقه های زنجیری در پیوند یکدیگرند از اشاره به طبقه های کج و معوج درجه دو و سه صرف نظر کنیم و همچنان در استواری رشته زنجیر کوشا باشیم.

در اعتقاد به درستی این اصول کلی گاه گاه به اشاراتی و به انتقاداتی برخورد میکنیم که دارای محتوای صحیحی است اما نه در قالبی موزون ریخته شده و نه بوقت مناسب ارائه میگردد. برای مثال در مقاله ای در راه دفاع از قضاوت عادلانه و مبارزه با استبداد در کار قضاوت، نویسنده به این نتیجه میرسد که قاضی شرع معیاری برای سنجش صحیح جرم ندارد. اطلاعات و دریافتهای هایش از واقعیت ها کم و ناقص است. لاجرم اسیر ذهنیات خود است و دخالت بیش از حد ذهنیات در کار قضا جرمی نابخشودنی. یکی را حد میزند و دیگری را با همان جرم به جوخه اعدام می سپارند. تا اینجا صحیح اما جانشین شایسته تر کجا است تا کارش را نمونه سازیم.

در کشورمان و در دارالخلافه مان خیلی ها در سن و سال دوستدار اصلی و صحنه های مبین و تعیین کننده، تصور نمیکنم که به نتیجه ای جز این برسیم که انقلاب اخیر مردم کشورمان، انقلابی اصیل، رهائی بخش و معلم از اعتقادات راستین مذهبی بوده است. انقلاب مردم، نظام استبدادی را سرنگون ساخته است و در پی بیرون آوردن ریشه های باقیمانده آن است. اگر چه در این رهگذر سلیقه ای خاص و تا حدی نا آشنا برای روشنفکران و متفکران غیر سنتی از خود نشان داده است. استعمار را نیز حداقل یک گام بلند به پس رانده است، زخمی و عصبانی ساخته است. عکس العمل های تند این غول سهمگین شاهدهی بر این مدعا.

حاصل آنکه: انقلابی است مردمی، ضد استعماری و در عین حال منطقی همراه با روش ها و مشی هایی که نمیتواند همیشه صحیح باشد. از چنین انقلابی باید حمایت کرد و از آن در حد ایشان جان دفاع نمود و در این راه هرگز اجازه نداد که ناهنجاری های پدید آمده در سطح، ما را از شناخت کیفیت و الای آن در عمق، مانع شود. در این بررسی آگاه باشیم که اطلاعات غلط، ناقص و نه گهگاه مغرضانه نیز دریافت میداریم که باید خود آگاهانه آن را، چنانکه رفت، بهمهرا کوششی برای درک حقیقت و در پیوند دائمی با مردم به «برخورد عقابیه بسپاریم تا تعقل جمعی و نه درک ناشی از ذهنیات فردی صحت و سقم آن را آزمایش کند و غریب شعور ناشی از تفکر خلاصه، در چهارچوب جهان بینی صحیحمان، جلوی عبور اطلاعات غلط و نشستن و سایه افکندن آن بر ذهنمان را مانع گردد. بعلاوه اگر اطلاعات چه اما متأسفانه صحیح، در ارتباط با ناهیاها و اصول انقلاب نیست و نمیتواند پایه های استوار انقلاب را کج کند. پروری آن در رنگ و نکتیم و با این خود آگاهی از آن بگذردیم که در «مرحله ی کنزای» انقلاب وقوع حوادث بد نیز امری اجتناب ناپذیر است، چرا که هنوز همه چیز در جای خود قرار نگرفته است و در چنین زمان پر تلاطمی متأسفانه مهره های ناجور و ناپسند میتوانند در مواضع حساس نیز قرار گیرند. این بدین معنی نباشد که انتقاد نکیم و انگشت بر روی تاول ها نگذاریم، خیر انتقاد کنیم و تنها

نمیگرفتند، نه، قصد من اینست که نشان دهم که تفاوت نه چندان زیاد است و اصولا درد اصلی مردم و علت مبین بی سروسامانی ما در حال حاضر در آن نیست که دستگاه قضاوتش از دست حقوقدانان متخصص و تحصیلکرده و واقع گرایمان بیرون لغزیده است و بدست قاضیان شرع ذهنی گرا سپرده شده است. آنهم در بخش هائی ویژه و برای زمانی نه تا ابد، من فقط میخواهم بگویم که اکنون مسئله حیاتی تا تعیین حدود استبداد قضائی رایج نیست و میزان آن نیز در مجموعه در حدی قرار نگرفته است که تا فریاد برآوریم که آزادی دفاع از متهمین گرفته شده است.

و در مسیر همین اندیشه و در جانی دیگر اما در مقوله ای از همین قسم به دفاعی از مرزهای آزادی فردی بر میخوریم که گویا تخطی به سرحادات آن از جانب دست اندرکاران حکومت از حد گذشته است. نویسنده عزیز در سلب آزادیهای فردی از ظلمی که بر عهرو و یازیدرفته است سخن میگوید. شکوائیه ای بلند بالا علیه مسئولین امر میسازد. بکمک تعاریفی از آزادی و تعیین مرزهایش، میکوشد تا گروهی از روشنفکران را که در جامعه سنتی در آمده اند و متأسفانه باید قبول داشت که در راه رسیدن به هدف هایشان که نه همیشه با منافع جامعه تطبیق میکند چهار اسبه بجلو میتازند، سبب همه نابسامانی های پدید آمده بداند. در این راه چنان از وقایعی مجرد و نه مبتلا به عموم استمداد میجوید که بیم آن میرود که دچار «منزله طلی» در کار اجتماعی شده باشد

با توجه به همان اصول «صحیح اندیشیدن» باید به این نویسنده عدالت پژوه که در طول سیر انقلابی ملتی، از حق انسانی که بحق یا ناحق دربار او حکمی چلری شده است، دفاع میکند، گفت: آزادیهای فردی در طول گذشت تاریخ تعاریف و تعاریف مختلفی پیدا کرده است و معیارهای ناشی از این تعاریف نیز حتی تا زمان حاضر اکثرا گرایش و رنگی ذهنی داشته است و این تعاریف حتی در زمان عادی نیز آزادی فردی و حفاظت حقوق افراد را کاملا تامین نمیکرده است. چه رسد زمانی که نظامی فرو پاشیده است و تا ساخته شدن فرهنگ و معیارهای نظام جدید در دورانی گذرا با مفاهیمی متضاد سر و کار داریم و این نقص حتی در زمان و مکانی واحد، آزادی در دوران ما با روابط پیچیده اجتماعی دیگر با آن تعاریف قرون گذشته تامین نمیکرد. امروزه مگر میتوان از آزادی سخن گفت بدون آنکه احتمال، ضرورت و امکان و حقیقت را از نظر دور داشت و اگر به مفاهیم وسیع امروزی این نظریه ها و حوزه تاثیر هر کدام از آن ها بر شناخت نمود آزادی دقیق شویم آنوقت تعیین محدوده آزادی آنچنان قحطی و ساده نخواهد بود چون گذشته. در زمان ما چنان عمیق و وسیع به تعریف مفاهیم می پردازند که در حین دست یافتن به کیفیتی نو، تعیین دقیق حدود و مرزهای آن کیفیت یعنی تعیین مقدر کسی آن نیز از اهمیت برابر برخوردار است. این تعریف را نیز در عرض تعاریف دیگر آزادی قبول کنیم که آزادی درک ضرورت است که فقط آن چیز «حقیقت» است که «ممکن» است و بالعلاوه «احتمال» و «امکان» با هم یک واحد را تشکیل میدهند. توجه به اشارات بالا ما را در موضع عدم توجه به واقعیت ها و امکان ها قرار نمیدهد؟

و حالا این سوال پیش می آید که در بررسی ناهنجاریهای موجود اولویت یا کدام یک از عوامل ناهنجار عمل کننده است؟ ناهنجاریهای پدید آمده از اعمال ضد انقلاب که هر روز با نقشه های دقیق تر و شیطانی تر بمیدان می آید و

حالا تا سر حد نثار جان در خدمت انقلاب قرار گرفته، بپا خاسته است نیروی فکری مان را بجای آنکه در خدمت همه مظلومان و همه ستم دیدگان این مرز و بوم بگذاریم در راه احقاق حق احتمالی عضوی از دیوان سالاران قرار ندیم که گویا بر او عدل را روا نداشته اند. بگذاریم که گاهی نیز افراد مورد حمایتان یا کمال تأسف در خدمت دستگاه گذاشته بوده اند آنهم در درجات و مراتب بالای اداری و بالاخره در این مورد خاص، وی علیرغم داشتن بعضی مشکلات در آخر سفر شاه بوده اند و برخلاف عقیده نویسنده عزیز در مورد بیگناهی او که ابا نمیخواهیم در آن شک و تردید روا داریم، این سوال باقی میماند که آیا هر کدام ما با چه شرایط و تحت چه قواعدی میتوانسیم از غربالی ریز چشمه دستگاه اداری و امنیتی، نگاه گذشته عبور کنیم و بر چنین مسند هائی تکیه کنیم.

در صفحه موزائیک وقایع روز به ناهنجاریهای پدید آمده از نامتجانس بودن سنگریزه نشسته در موضعی خرد نشویم که از این راه شکل کلی صفحه از دیدمان کم میشود. برای شناخت دقیق انقلاب اصیل مردم کشورمان، معیارهایی دقیق ناشی از تفکری صحیح انتخاب کنیم که مسیر کلی حرکت انقلابی را نشان میدهد و نه پیچ و خمی در لحظه را که احتمالا در مسیر آن پدید آمده است.

استمداد جویم که نوشت:

۱- انقلاب ایران خطوط ارتجاع داخلی را در رابطه با امپریالیسم قطع کرده است. بافت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ایران در پرتو این انقلاب در آینده دگرگون خواهد شد.

۲- انقلاب ایران چهارچوب ژئوپولیتیک منطقه را در هم شکسته است. جغرافیای سیاسی منطقه در حصار منافع ابرقدرتها محصور بود و این حصار اکنون در هم شکسته است. اکنون امواج انقلاب ایران پرکاره این حصار میکوبد و ضربات آن هر آن شدید تر میشود. وظیفه همه ما بنام ایرانی اینستا که صرف نظر از هر نوع عقیده و مذهب و مسلک در تشدید این ضربه ها بکوشیم.....

این مهمترین وظیفه ما است و بی شک مقدم بر همه وظایف اجتماعیمان.

(*) دکتر حاج سید جوادی: جنبش شماره ۲۲ یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۵۸

قابل توجه کلیه کتابفروشی ها و اشخاص دیگر

دفترهای انقلاب ۲۵۰ ریال
حکایت همچنان باقی است ۴۰ ریال
دیوارها سخن میگویند ۶۰ ریال
نقدی تحلیلی بر قانون اساسی ۳۰ ریال

کتابهای فوق در تهران موجود است خواهشمند است هر مقدار لازم دارید با سی درصد تخفیف وجه آنرا بحساب ۹۹۴ بانک تهران شعبه توحید (کندی سابق) بنام جواد پور وکیل واریز فرمائید. بلافاصله کتاب مورد نظر برای شما ارسال خواهد شد.

قابل توجه
نمایندگان جنبش در شهرستانها
خواهشمندیم در ارسال وجه صورتحسابهای جنبش تسریع فرمائید برای نمایندگان بد حساب از ارسال جنبش معذوریم و یادآوری میشود در صورت تکرار، اسامی آنها را در روزنامه اعلان خواهیم کرد.

در متن و حاشیه سمپوزیوم

بقیه از صفحه اول

نماینده دائمی جمعیت بین‌المللی حقوقدانان دموکرات در سازمان ملل متحد ریاست هیات آمریکائی را عهده‌دار بود.

بحث‌ها همه در اطراف بطلان موافقتنامه‌های آمریکا و مصر و اسرائیل و قرارداد صلح مصر و اسرائیل بود. چرا که سه کشور غیر صالح، برخلاف اصول حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد درباره سرنوشت ملتی غیرزامل خود تصمیم گرفته‌اند. این خلق فلسطینی است که باید سرنوشت خودرا تعیین کند نه آمریکا و مصر و اسرائیل. خانم فلیسبلا لنگر، خدیو اتریشی، ضمن حمله شدید باین موافقتنامه اعلام کرد که «اسرائیل نمی‌تواند به پشتوانه سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا اراضی اشغالی را در تصرف خود نگاه دارد. سادات و بگین اجازه داده‌اند که اراضی اعراب توسط اسرائیلیان اشغال و ضبط شود. یکی از حقوق مسلم انسانها که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد آمده است حق انتخاب مسکن در هر کشور و حق خروج از آن کشور است و حال آنکه بسیاری از مردم فلسطینی از حق بازگشت به سرزمینشان محروم شده‌اند جتی که برای مسافران و توریست‌ها امکان پذیر است.» آقای یحیی جمال استاد دانشکده حقوق قاهره قرارداد کسب دیوید را بعنوان قراردادی مخالف حقوق بشر و تصمیمات سازمان ملل متحد توصیف کرد. یحیی جمال گفت «این قرارداد حقوق خلق فلسطینی را نادیده انگاشته و فقط شامل خودمختاری اداری میشود. این قرارداد فقط یک قرارداد دو جانبه است و هیچ دولت و ملتی غیر از ملت فلسطینی حق ندارد درباره سرنوشت آنان تصمیم بگیرد.»

آنچه در باره سخنرانهای خانم لانگرواقی جمال شگوهند بود استقلال رای و آزادی این دو شخصیت والا بود. آقای جمال فریاد زد که این قراردادها مورد تأیید ملت مصر نیست و حساب ملت مصر از سادات جداست و خانم لانگر توافق بگین و سادات را مخالف مصالح ملت‌های مصر و اسرائیل و کلیه ملل عرب و تمام جنبش‌های آزادیخواهانه دانست. سخنرانی آقای جمال سورانی رئیس هیات فلسطینی یک حماسه رنج و درد بود. یاسر عرفات در پیامی که برای سمپوزیوم فرستاد اعلام داشت «این سمپوزیوم در روزهای از تاریخ خلق ما تشکیل میشود که نیروهای صهیونیست اشغالگر با ماشین جنگی اسرائیل و آمریکاییان و پنهان‌کاران فلسطینی در جنوب لبنان را مورد حمله و تجاوز قرار میدهند. هر روز دهها نفر با بمبهای اسرائیلی بخاک و خون

کشیده میشوند. خسونت زاید الوصفی در اراضی اشغالی توسط دولت اسرائیل نسبت بخلق فلسطینی اعمال میگردد. و اینها نتایج موافقتنامه‌های آمریکائی، اسرائیلی و مصری کسب دیوید است»

حقوقدانان نبود که از این قراردادها بعنوان ناقض اصول حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، منشور ملل متحد و تصمیمات سازمان ملل متحد یاد نکند.

قطعه‌نامه سمپوزیوم در ماده ۹ مده به تصویب کلیه شرکت کنندگان، منجمله حقوقدانان اسرائیلی، فلسطینی، مصری و آمریکائی، رسید. در این قطعه‌نامه ضمن اعلام بطلان موافقتنامه‌های کسب دیوید و قرارداد صلح مصر و اسرائیل خاطر نشان شد که «این موافقتنامه‌ها نمیتواند صلحی عادلانه و پایدار را در خاور میانه نوید دهد و هر توافقی باید با دخالت خلق فلسطینی و سایر ملت‌هایی که در منطقه بسر میبرند صورت گیرد. آمریکا در این قراردادها نقش ژاندارم منطقه را ایفا میکند و همکاری نظامی آمریکا و اسرائیل و مصر در جهت سرکوبی جنبش‌های آزادیخواهانه و ضدامپریالیستی منطقه است.

این قرار دادها با اسرائیل اجازه میدهد که با شغال خورد سرزمینهای اعراب ادامه دهد و کلتی‌های یهودی نشین ایجاد کند....

در حاشیه سمپوزیوم مسالها، مربوط به مساله نژیه و سرنوشت او بود. روز دوم کنفرانس روزنامه‌های پاریس خبر انحصار نژیه توسط دادسرای انقلاب و اشغال و محاصره منزلت‌ش را چاپ کردند و بهنگام نفی (انترکت) باران سوال بر ما فرو ریخت:

علت انحصار نژیه چیست؟ اتهامش چیست؟ چرا منزلت‌ش را محاصره کرده‌اند؟ نژیه، رئیس کانون وکلا و با آن سابق درخشان مبارزه با دیکتاتوری و خودکامگی، مدافع آزادی و حقوق بشر مرتکب چه چنایی شده که با او چنین کرده‌اند؟ آیا در کشور شما امنیت قضائی وجود ندارد؟ میشود هر که را در هر موقعیتی که هست بدون اعلام اتهام احضار و توقیف کرد؟ همه متاثر بودند و تصمیم گرفتند که عکس‌العمل نشان دهند. تلگرافها شروع شد: جمعیت بین‌المللی حقوقدانان دموکرات، اتحادیه وکلای دادگستری عرب، کانون وکلای دادگستری پاریس، سندیکای وکلای دادگستری پاریس و انجمن فرانسوی دسالی و همبستگی باملت ایران طی ارسالی تلگراف‌های برای دولت ایران نگرانی خود را درباره وضعیت نژیه

و دولت تلقین و تعلیم شود و در این رهگزر مشکلات و مصائب بسیاری را باید پشت سر گذارد و در این موقع است که نظامی به بهای گزاف شکل میگیرد، جایگزین میشود و توسعه می‌یابد. و ارزشهای انسانی و اجتماعی این نظام است که مبارزات و قربانیانی را که بخاطر تحقق آن متحمل شده‌ایم، توجیه میکند.

اما این مبارزه ملی برای تحقق حکومت عدل و احترام به حقوق بشر از مبارزه برای استقلال و احترام به حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود جدا نیست. بدون استقلال واقعی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی (که ربطی به حصار گرد خویشتن و انزوی از دنیا ندارد) تلاش‌های ملی برای برقراری آزادی و توسعه اجتماعی دستخوش مطامع خودپرستانه امپریالیستها خواهد شد و در کوتاه‌ترین مدت محکوم به شکست است. ایران دکتر مصدق و شیخی‌النده و نظائر آن، این تجربه تلخ را بآموخته است که در مفهوم بین‌المللی، خود مختاری و استقلال از یکطرف و مبارزه ضد امپریالیستی از طرف دیگر روی یک سکه هستند. و از اینجاست که لزوم هم بستگی ملت‌های محروم در مبارزه ضد امپریالیستی جلوه میکند و انقلابیون ایران

همواره این هم بستگی را بخصوص در باره خلق فلسطینی داشته‌اند. خلقی که سبیل این مبارزه از گذشته‌های بس دور است و با خون جوانان خود و تحمل مصائب بسیار برای شناسائی حقوق خلق خود، بهای این جهاد را پرداخته است و هر روز قربانیهای جدیدی میدهد. خلق فلسطینی که بوجوب قطعه‌نامه شماره ۲۲۲ شورای امنیت پنهانده محسوب شده طی یازده سال توانسته است که خود را بعنوان خلقی آگاه و متعهد، سازمان یافته و متشکل معرفی کند و سازمان آزادی بخش فلسطینی از طرف اکثر کشورهای بعنوان نماینده قانونی خلق فلسطینی شناخته شده است. سازمانی که صلاحیت قانونی تاسیس یک قدرت ملی در تمام سرزمینهای فلسطین را دارد. و به همین جهت است که ما نمی‌توانیم موافقتنامه‌های کسب دیوید را محکوم نکنیم. موافقتنامه‌هایی که اصول اولیه حقوق بین‌الملل را نقض کرده است، که از جمله این اصول حق ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خویش است. این موافقتنامه‌ها سازمان آزادی بخش فلسطینی را نادیده انگاشته است، وضعیت بیت‌المقدس را فراموش کرده است و حتی به مفهوم خود مختاری توجه نداشته و با سرنوشت خلق فلسطینی سودا کرده و راه‌حلهائی را بآن تحمیل نموده است.

گزارش تحقیقی خانم شیمیلیه ژاندر و آقای کولن بر روشنی مخالفت این موافقتنامه‌ها را با اصول حقوق بین‌الملل می‌نمایاند و اینجانب با نتیجه‌گیریهای این تحقیق کاملا

اتقلاب باید از هر جهت نمونه‌ی جامعیت انقلاب و اسلام باشد و از هرگونه کج روی پیراسته شود. ما به برادران پاسدار انقلاب می‌گوئیم که حتی در مسائل پیچیده‌ی شرعی از همین شخصیت و چند نفر خبرنگار نماینده‌ی مجلسی یک مساله‌ی واحد را سؤال کنند و اجتهاد بخواهند. اگر تمام جواب‌ها را یکسان ندیدند آنوقت انتظار نداشته باشند که تمام نیروی انقلابی ایران در زیر چتر یک حزب و گروه اجتماعی و بدون اختلاف نظر در نحوه‌ی نظام جامعه جمع شوند. و در خاتمه به تمام نیروهای جوان که پاسداران دستاوردهای انقلاب زاستین ایرانند درود می‌فرستیم و یادآوری می‌کنیم که در طی حوادث و وقایع درون مرزی باید هوشیار بود دشمن در کمین است و نفاق می‌انگد و در این معرکه: زهر طرف که شود کشته سود کفار است.

ما و پاسداران انقلاب

بقیه از صفحه ۸

ما در زمینه‌های دیگر نیز خود را مرطف می‌دانیم که از ضعف‌ها و پریاهائی که از هر سو به انقلاب می‌حسبند و اثر منفی آن کمتر از توطئه علیه انقلاب نیست قاطعانه انتقاد کنیم. ما می‌گوئیم که سپاه پاسداران از ایمان کافی یک یک جوانان جانباز آن سرشار است. به انضباط و تشکیلات و نظم و آیدنوسوزی در سطح عالی و صداقتی و غیره احتیاج دارد ما می‌گوئیم که سپاه پاسداران باید سپاه پاسداران کل انقلاب ایران باشد و تبدیل به ابزار برتری طبقی احزاب و گروه‌ها و افراد خاص نباشد. ما اصرار می‌ورزیم که سپاه پاسداران

ما را در زمینه‌های دیگر نیز خود را مرطف می‌دانیم که از ضعف‌ها و پریاهائی که از هر سو به انقلاب می‌حسبند و اثر منفی آن کمتر از توطئه علیه انقلاب نیست قاطعانه انتقاد کنیم. ما می‌گوئیم که سپاه پاسداران از ایمان کافی یک یک جوانان جانباز آن سرشار است. به انضباط و تشکیلات و نظم و آیدنوسوزی در سطح عالی و صداقتی و غیره احتیاج دارد ما می‌گوئیم که سپاه پاسداران باید سپاه پاسداران کل انقلاب ایران باشد و تبدیل به ابزار برتری طبقی احزاب و گروه‌ها و افراد خاص نباشد. ما اصرار می‌ورزیم که سپاه پاسداران

موافق هستیم و اضافه بر این باید نومییدی عمیق خود را در قبال اشتباه بزرگ سیاسی دولت مصر ابراز داریم. دولت مصر گمان میکند که می‌تواند مشکلات اقتصادی و هرج و مرج اجتماعی کشور خود را با اتکاء به یک قدرت امپریالیست، که در واقع بازبچه و آلت دست اوست، مرتفع سازد. و حال آنکه در قبال موضع آشفتنی ناپذیر و سوسوینت آشکار و مداوم اسرائیل، مصر آسیب پذیرتر بنظر می‌آید (سیاست ایجاد شهرک‌های یهودی نشین در اراضی اشغالی از مصادیق بارز این سوسوینت است).

همچنین بر اثر این توافق جداگانه، شکاف عمیقی در هم بستگی کشورهای برادر بوجود آمده که بدون این هم بستگی ملت‌های محروم و از جمله ملت مصر نمی‌تواند از بوغ استثمار قدرتهای امپریالیست که سرنوشت آنان را فدای منافع خود کرده است، یابند.

معهدا سال ۱۹۷۹ از نظرگاهانی امیدبخش بوده است. از یک طرف در رابطه با مساله فلسطینی، سازمان آزادی بخش فلسطین تقریبا از سوی تمام کشورهای دنیا و حتی اروپا برسیت شناخته شده است. همچنین محکوم نمودن سیاست ایجاد شهرک‌های یهودی نشین در اراضی اشغالی و نقض مستمر حقوق بشر در این سرزمینها از طرف اسرائیل جنبه همگانی بخود گرفته است. و بالاخره حتی در کشورهایی که روابط

این هفته نامه با امتیاز

آرش

منتشر می‌شود

صاحب امتیاز: فاطمه نراقی

با نظر شورای نویسندگان

سردبیر: اسلام کاظمیه

صفحه آرانی از: حبیب مفتون

نشانی: غرب تهران - ختیبان فرصت

شیرازی - تقاطع با اسکندری

شمالی - شماره ۱۵۵

تلفن ۹۷۳۳۱۸

این راه به ترکستان است

بقیه از صفحه ۲

مشکلات و تدارک و وسایل عادی کردن امور اقتصادی کشور متعادل کند و از طریق ایجاد نارضایتی‌ها و تشدید بحران اقتصادی و بیکاری فشار بردولت را افزایش دهد و به تفرقه و جدائی بین مردم و دولت بیفزاید؛ با توجه به این مسائل است که باید توجه کنیم که اگر قشرهای جامعه و گروهها در افکار و اعتقادات اجتماعی و فلسفی و سیاسی نمیتوانند متحد شوند اما در مقابله با عوامل ضد انقلاب و برای تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی براساس عدالت و استقلال و آزادی نمیتوانند در یک جبهه اتحاد سراسری ملی قرار گیرند. دشمن در کمین بالا گرفتن کشمکش‌های درونی در داخل جامعه ما است: از طغنه‌های خود را از داخل این کشمکش‌ها و خشونت‌ها انتخاب میکند دستیاران او با اعمال انواع حمله‌های ظاهر فریب به این کشمکش‌ها دامن می‌زنند سراسر تاریخ سالها و دورانی اخیر ما درس عبرتی برای اینکه با آگاهی و گذشت و هوشیاری بگذاریم انقلاب

ما مثل نهضت‌های گذشته به نفع جهانخواران و صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها به شکست منتهی شد.

جاذبه و فضیلت و حرمت بی پایان رهبری انقلاب بزرگترین دستمایه‌ای است که در غیبت تجربه سازمانهای سیاسی میتواند وجود دوام این اتحاد سراسری را تضمین کند و بدون تعصب همه نیروهای مؤمن به انقلاب و جمهوری اسلامی و آزادی و استقلال واقعی را نظیر دوران مبارزه با طاغوت در کنار هم قرار دهد. ایجاد رابطه مستمر و مستقیم بین رهبری انقلاب و این نیروهای مؤمن و مترقی بهترین وسیله تشکیل این اتحاد سراسری در برابر نیروهای شیطنانی ضد انقلاب و جهانخواران بین‌المللی و بهترین عامل تفاهم و تحرک مخصوصا بین جامعه روحانیت و جامعه دانشگاهی و تخصصی و نیروهای فعال علمی و فکری و فرهنگی ما بمعنای وسیع کلمه میباشد.

